

Autumn and Winter 2025, 2 (4), 181-196.

Iran's Foreign Relations Practices During the Minor Despotism Period, Emphasizing the Approach of Soroush Newspaper (1909 AD/1288 AH)

Ali Norouzi¹  | Kazem Meighani² 

1. Corresponding Author, Master of Arts in History of the Islamic Revolution, Kharazmi University, TEHRAN, IRAN. E-mail: ali.norozikhu@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of History, Kharazmi University, TEHRAN, IRAN. E-mail: kazemmeighani@khu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research	The logic of Iran's foreign relations in the 19th and 20th centuries was accompanied by the superiority of the interests of Western countries. Countries such as Russia and England sometimes achieved their superiority through war and conflict and sometimes through various agreements. As a result, political and economic dependence in the 19th century became a natural thing for Iran. Deep crises and political divisions led to the activity of parties and the press at the beginning of the 20th century. In 1909/1288, the Soroush newspaper was founded in Istanbul at the initiative of the Iranian Prosperity Association and a group of patriotic and freedom-loving writers, which defined its goal as fighting tyranny, re-establishing the constitutional system, and ultimately establishing a national government. In the path to achieving its goals, the Soroush newspaper also paid attention to one reality; re-establishing the constitutional system and establishing a national government without independence is impossible. For this reason, "The Study of Independence" became one of the most frequent titles of the Soroush newspaper, along with "The Study of Freedom". The main goal of this research is to examine Iran's foreign relations during the period of the Minor Autocracy, with an emphasis on the content of the Soroush newspaper, which deals with this issue using a descriptive-analytical method based on library resources.
Article history: Received: 31 May 2025 Accepted: 7 August 2025 Published online: 6 March 2026	
Keywords: Minor tyranny, Iranian Happiness Association, Soroush Newspaper, Russia, Ottoman, England.	

Cite this article: Norouzi, Ali, Meighani, Kazem, Second. (2025). Iran's Foreign Relations Practices During the Minor Despotism Period, Emphasizing the Approach of Soroush Newspaper (1909 AD/1288 AH). *New Researches in the Studies of the History of Islam and Iran*, 2 (4), 181-196.



© The Author(s).

Publisher: Lorestan University.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nriihs.2026.2086178.1079>

سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۴)، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، ۱۸۱-۱۹۶.

کنش روابط خارجی ایران در دوره استبداد صغیر با تأکید بر رویکرد روزنامه سروش (۱۹۰۹م/۱۲۸۸ش)

علی نوروزی^۱ | کاظم میقانی^۲

۱. کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: ali.norozikhu@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: kazemmeihani@khu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: ترویجی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰</p> <p>پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۱۵</p> <p>کلیدواژه‌ها: استبداد صغیر، انجمن سعادت ایرانیان، روزنامه سروش، روسیه، انگلستان، عثمانی.</p>	<p>منطق روابط خارجی ایران در سده‌های ۱۹ و ۲۰ م با برتری منافع کشورهای غربی همراه بوده است. کشورهای نظیر روسیه و انگلستان برتری خود را گاه از طریق جنگ و درگیری و گاه از طریق قراردادهای گوناگون به دست می‌آوردند. در نتیجه برای ایران وابستگی سیاسی و اقتصادی در سده ۱۹ به امری طبیعی منجر شد. بحران‌های عمیق و شکاف سیاسی منجر به فعالیت احزاب و مطبوعات در آغاز قرن ۲۰ م شد. در سال ۱۹۰۹م/۱۲۸۸ش روزنامه سروش به ابتکار انجمن سعادت ایرانیان و جمعی از نویسندگان وطن‌دوست و آزادی‌خواه در استانبول تأسیس شد که هدف خود را مبارزه با استبداد، استقرار دوباره مشروطه و در نهایت برپایی حکومت ملی تعریف کرده بود. روزنامه سروش در مسیر دستیابی به اهداف خود به یک واقعیت نیز توجه داشت؛ استقرار دوباره مشروطه و برپایی حکومت ملی بدون داشتن استقلال امری محال است. به همین جهت «تحصیل استقلال» در کنار «تحصیل آزادی» از عناوین پرتکرار روزنامه سروش درآمد. هدف اصلی این پژوهش بررسی کنش روابط خارجی ایران در دوره استبداد صغیر با تأکید بر مطالب روزنامه سروش است که با روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای به این امر می‌پردازد.</p>

استناد: نوروزی، علی، میقانی، کاظم (۱۴۰۴). کنش روابط خارجی ایران در دوره استبداد صغیر با تأکید بر روزنامه سروش (۱۹۰۹م/۱۲۸۸ش). پژوهش‌های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران، سال دوم، شماره ۲ (۴)، ۱۸۱-۱۹۶.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه لرستان.

۱. مقدمه

در سال ۱۹۰۶م/۱۲۸۵ش ایران در مسیر تازه‌ای قرار گرفته بود. مشروطه‌خواهان، سلطنت استبدادی را نخستین دلیل ضعف و بحران‌های داخلی می‌دانستند. از جمله مهم‌ترین چالش‌های کشور، رویکرد در حوزه روابط خارجی بود که تحت عنوان «موازنه مثبت» بیان می‌شود؛ به این تفسیر که ایران در روابط خارجی نه استقلال و منافع خودش، بلکه منافع دیگری را در الویت قرار می‌دهد. مفهوم «استقلال» در کنار مفاهیمی نظیر «آزادی» و «قانون» از پرتکرارترین مفاهیمی بود که توسط مشروطه‌خواهان پیش و پس از مشروطه بیان می‌شد؛ اما اقدامات محمدعلی شاه در دوره استبداد صغیر، ایران و مجلس نوپایش را در بحران جدیدی فرو برد.

مقطع مورد نظر ما سه سال پس از پیروزی انقلاب مشروطه می‌باشد. یکم تیرماه ۱۲۸۷ش قزاق‌ها به رهبری لیاخوف مجلس شورای ملی، سفارت انگلستان و مدرسه سپه‌سالار را محاصره کردند، غرش توپ فردای آن روز بلند شد و مجلس به توپ بسته شد. بسیاری از مشروطه‌خواهان توسط محمدعلی شاه کشته و آنان که مجال فرار از چنگ استبداد را داشتند از کشور خارج شدند. با به توپ بستن مجلس شورای ملی توسط محمدعلی شاه و هواخواهان روسی او که در تعارض با قانون اساسی کشور بود، فاصله‌ای میان شاه و مردم به وجود آمد. سه کشور اروپایی میزبان مبارزان و استبداد ستیزان بودند؛ فرانسه، انگلستان و سوئیس. شهر ایوردون سوئیس که میزبان علی اکبر دهخدا، معاضدالسلطنه و انتشار مجدد صوراسرافیل بود، با بیانی صریح در زمره مبارزان تندرو قرار می‌گرفت. مبارزه این گروه با دو دسته بود؛ نخست محمدعلی شاه، استبداد و حامیان داخلی و خارجی آن و دوم آنان که خود را آزادی‌خواه می‌نامیدند و مقیم پاریس بودند. دهخدا زمانی که در پاریس

زندگی می‌کرد، سرشار از خستگی، ناامیدی و فقر بود که از شدت بیکاری حاصل شده بود. دهخدا در نامه‌ای به معاضدالسلطنه پیرنیا می‌نویسد: «یک عمر زندگی سرگردان، یک دنیا استعداد و امید هدر رفته، دو سال با خون دل زندگی و تحمل آن مخاطرات که شرحش برای جناب مستطاب عالی ضروری نیست... برای من پاریس حکم تهران، تکفیر حکم تکفیر و گرسنگی در غربت حکم بدبختی در وطن دارد» (افشار، ۱۳۵۸: ۱۷-۱۸). دهخدا پس از ایوردون سوییس متوجه استانبول و مملکت عثمانی شد. انجمن سعادت ایرانیان مقیم استانبول که اکنون با قدرت علیه استبداد محمدعلی شاه فعالیت داشتند، مرکز خوبی برای فعالیت صوراسرافیل و هدف والای دهخدا بود. دولت‌آبادی اعضای انجمن را ۳۰ نفر ذکر می‌کند که ۱۰ نفر آنان تاجر و ۲۰ نفر آنان عضو اصناف هستند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۳۳/۳). علی اکبر دهخدا قرب جوار، شباهت فکری و زبانی را دلیل حضور انجمن سعادت ایرانیان در استانبول می‌داند. به هر طریق حضور دهخدا و معاضدالسلطنه پیرنیا در انجمن سعادت ایرانیان منجر به حیات روزنامه‌ای شد که در سال ۱۹۰۹م، ارگان نیمه رسمی این انجمن بود.

در رابطه با موضوع این مقاله، پیش از این طولانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «سروش: پیش‌درآمدی بر روزنامه‌نگاری ملی‌گرایانه و تجددخواه»، با بررسی جلوه‌های محتوایی روزنامه سروش و ارائه آن‌ها، این روزنامه را از نخستین مطبوعاتی می‌دانند که با تأکید بر ملی‌گرایی، اشاره به ایران باستان و حافظه تاریخی و عناوین تجددخواهانه نظیر «اردوی ملی»، در زمره مطبوعاتی نظیر کاوه و ایرانشهر در دوره پهلوی اول قرار می‌گیرد. کیانی شاوندی و مرادی خلیج (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر نقش ترجمه در روزنامه‌های اختر و سروش در انتقال گفتمان انتقادی متأثر از فضای فکری استانبول به ایران دوره قاجار»، دو روزنامه مهم

در دو مقطع زمانی را مورد بررسی قرار می‌دهند. اختر در زمان مشروطیت و سروش در زمان استبداد صغیر. پژوهشگران معتقدند با توجه به پیشینه فرهنگی میان عثمانی و ایران، ظهور مشروطیت در عثمانی قبل از ایران و نزدیکی عثمانی به ممالک غربی، این کشور محل امنی برای منتقدان حکومت در ایران بود تا علاوه بر اقدامات علیه سلطنت استبدادی قاجار با عقاید نوین و متجدد آشنا شوند. از طرفی ترجمه افکار مشروطه‌خواهان عثمانی توسط روزنامه‌های ایرانی نقش مهمی در ورود اندیشه‌های مدرن و اندیشه اتحاد اسلامی دارد. اختر و سروش به‌عنوان مهم‌ترین روزنامه‌های ایرانی مقیم استانبول در دو مقطع زمانی این وظیفه را برعهده گرفتند.

تمرکز اصلی این پژوهش بر روند اصلاحات و تأثیرپذیری روزنامه‌های ایرانی مقیم استانبول، از اصلاحات مملکت عثمانی با تأکید بر روزنامه سروش و تأثیرگذاری بر روند جریان‌های داخلی ایران با انتقال مفاهیم است.

۲. ساختار روزنامه سروش

روزنامه سروش در استانبول باهدف مبارزه با استبداد محمدعلی شاه و برقراری دوباره نظام مشروطه تأسیس شد. این روزنامه به طور هفتگی به چاپ می‌رسید و شماره اول آن مورخ ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق در هشت صفحه منتشر شد (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۳۴). آخرین شماره سروش نیز مورخ ۲۶ شوال ۱۳۲۷ق در استانبول منتشر شد. شرایط اشتراک روزنامه سروش به صورت تک نمره در ایران دو عباسی، در مملکت عثمانی چهار مجیدی و در فرانسه بیست فرانک بود. مدیرمسئول و سردبیر روزنامه، علی اکبر دهخدا بود و البته مدیریت او بر روزنامه تا شماره ۱۰ و مورخ ۲۸ رمضان ۱۳۲۷ق به طول انجامید؛ چرا که «بنابر قانون جدید مطبوعات دولت علیه عثمانی عموم جرائد تبعه خارجه در عثمانی باید دارای مدیر مسئول از تبعه خود دولت ترک یعنی

کسی که تابع قوانین داخله مملکت تواند بود باشد» (سروش، شماره ۱۰، ۱۳۲۷ق: ص ۸). از این تاریخ به بعد توفیق بیک از ترکان مشروطه خواه عثمانی به‌عنوان مدیر در روزنامه حضور یافت. به نظر می‌رسد بنا بر تصویب قانون جدیدی که در آن زمان منتشر شد، این مدیریت صرفاً اسمی و همچنان مدیرمسئول روزنامه دهخدا بوده است. صدر هاشمی در تاریخ جراید و مطبوعات ایران می‌نویسد: «جمعاً پنج شماره از این روزنامه طبع و منتشر شده است» (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۳۴). این در حالی است که آرشیو روزنامه سروش، در حالت کلی شامل ۱۰ می‌باشد.

۳. گردانندگان روزنامه سروش

با آغاز دوره استبداد صغیر، بسیاری از مشروطه‌طلبان ایران یا توسط محمدعلی شاه و حامیان استبداد اعدام شدند یا فرصتی یافتند تا از کشور خارج شده و از بیرون با استبداد مبارزه کنند. اغلب، کشورهای فرانسه، انگلستان، سوئیس و عثمانی میزبان آزادی‌خواهان ایرانی بود. با این حال، مملکت عثمانی به چند دلیل مهم از توجه ویژه‌ای برخوردار شد؛ عثمانی خود پذیرای حکومت مشروطه بود. پس طبیعی است که مشروطه‌خواهان در عثمانی از حمایت زمامداران عثمانی برخوردار باشند. چنانچه روزنامه سروش خود گواه می‌دهد: «احرار ایران که پس از تعطیلی مجلس مقدس شورای کبری در آفاق مختلفه سرگردان بودند، یکباره پس از طلوع نیر حریت در مملکت عثمانی به اجتماع در اسلامبول میل نمودند» (روزنامه سروش، شماره ۱، ۱۳۲۷ق: ص ۱). عثمانی از عصر ناصرالدین شاه پذیرای افکار متجدد غربی بود و می‌توان گفت که مملکت عثمانی واسطه میان آشنایی ایرانیان با مفاهیم غربی از طریق بازرگانان و برخی رجال سیاسی بود که از شرایط داخلی عصر تنظیمات متأثر شده بودند. همچنین سابقه انتشار روزنامه‌های فارسی‌زبان در استانبول دلیل دیگری بود تا این کشور میزبان آزادی‌خواهان

ایرانی باشد. حکومت اسلامی مستقر در مملکت عثمانی و حمایت بازرگانان ایرانی از ایرانیان مقیم استانبول دلایل حضور مشروطه‌طلبان در عثمانی است. در بین تمامی کانون‌های مبارزه در خارج از کشور، نام «انجمن سعادت ایرانیان مقیم استانبول» از دیگر گروه‌ها بلندآوازه‌تر است. اصالت سروش به «انجمن سعادت ایرانیان» بازمی‌گردد. سروش در اصل ارگان رسمی انجمن سعادت و مترجمان افکار روشنفکران و فعالان سیاسی انجمن بود:

در این وقت، وجود روزنامه که ترجمان افکار احرار ایران [در حال حاضر] و بلکه پس از ائتلاف مابین دولت و ملت، به عبارت بهتر ایران خُر باشد، در اینجا لازم می‌نمود (روزنامه سروش، شماره ۱، ۱۳۲۷ق: ص ۱).

دولت‌آبادی گزارش می‌دهد: «روز هفتم شهر ربیع‌الثانی یک هزار و سیصد و سی و هفت، در خان‌والده در حجره هاشم‌آقای ربیع‌زاده، جمعی از تجار محترم از ملت خواهان منورالفکر را جمع کرده و فواید انجمن سعادت را بیان کرده» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۹۹). دولت‌آبادی خود اعضا مؤسس انجمن را ۳۰ تن ذکر می‌کند که ۲۰ تن از آنان رؤسای اصناف و ۱۰ تن از آنان تاجر بودند. انجمن سعادت ایرانیان مقیم استانبول در ارتباطی تنگاتنگ با عتبات و شهرهای داخل ایران مخصوصاً تبریز و آذربایجان بودند. ارسال پول، مخبره اخبار داخل کشور و اشاعه آن در روزنامه از عمده فعالیت‌های انجمن سعادت بود. دهخدا در نامه‌ای به انجمن سعادت از مبدأ ایوردون سوییس، مورخ ۱۸ مارس ۱۹۰۹م ضمن یادآوری اهمیت اتحاد و همبستگی میان احرار ایران و تمجید از جایگاه انجمن سعادت، به موسسان و اعضا می‌نویسد: «پیش از هرکار و قبل از هر اقدام، به توسعه دایره اتحاد بپردازند... اگر عرایض بنده در محضر اعضا محترم موقع قبول یافته باشد، الان باید به گمان من بی فوت یک دقیقه فرصت، دست به کار زد و در صورت اطمینان در

صحت پروگرام انجمن مقدس سعادت، همان پروگرام را در همه انجمن‌های داخل و خارج از ایران بقبولانند» (افشار، ۱۳۵۸: ۴۷-۴۶). انجمن سعادت به گفته دولت‌آبادی در سال ۱۹۰۹م تصمیم گرفت تا «بعضی از رفقا را از قبیل، مخبرالسلطنه، احتشام السلطنه که در برلین هستند را به استانبول بیاوریم» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۱۰۱). بنابراین مرکز فعالیت انجمن سعادت را همچنان در استانبول قرار دادند و معاضدالسلطنه را به عنوان ریاست انجمن برگزیدند. تاجران عضو انجمن سعادت تصمیم گرفتند تا روزنامه‌ای موسوم به سروش را راه‌اندازی کنند. بهترین انتخاب برای مدیریت و سردبیری روزنامه در آن مقطع، علی‌اکبر دهخدا بود: «جریده‌ای موسوم به سروش در استانبول تأسیس می‌شود. میرزا علی‌اکبرخان دهخدا محرر روزنامه صوراسرافیل که اینک به استانبول آمده، مدیر و سر محرر روزنامه قرار داده» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۱۰۱). نویسندگان روزنامه سروش عبارت بودند از «معاضدالسلطنه، میرزا یحیی دولت‌آبادی، مرحوم حسین دانش، علی‌اکبر دهخدا و حسین کاظم‌زاده» (صدر هاشمی ۱۳۶۳: ۳۴). روزنامه سروش پس از ۱۳ شماره انتشار همزمان با بازگشت علی‌اکبر دهخدا به ایران برای همیشه تعطیل شد.

۴. جهت‌گیری سیاسی و اجتماعی روزنامه سروش

همان‌طور که گفته شد، روزنامه سروش محصول هم‌فکری انجمن سعادت ایرانیان مقیم استانبول بود و هدف سروش قرین بر هدف انجمن سعادت، براندازی استبداد محمدعلی شاه و بازگرداندن مشروطیت بود. شاید با حضور دهخدا در مقام سردبیری و مدیریت روزنامه انتظار می‌رفت سروش نیز نوآوری از دهخدا به یادگار گذارد، نوآوری همانند ستون چرندوپرند در صوراسرافیل. نگارش دهخدا در سروش و صوراسرافیل با جَو حاکم متفاوت بود. سروش در بستری پا به عرصه حیات گذاشت که هیجانات متولد شده از انقلاب

و مشروطیت از بین رفته بود. حال هم مشروطه‌خواهان و هم عموم مردم ایران متوجه ایرادهای ساختاری مشروطیت شده بودند. سروش به دلیل مبارزه جدی با محمدعلی شاه، حمله به شخصیت شاه - نظیر آنچه در صوراسرافیل شاهد آن بودیم - انجام نداد، بلکه با منطق و برهان در پی مشروعیت‌زدایی از استبداد بود.

در جهت احیای مشروطیت، نویسندگان سروش تصمیم گرفتند آموزش‌های لازمه برای استقرار دوباره مشروطه را به مردم ارائه دهند. به همین دلیل شاهد مطالبی نظیر «شرایط وکالت چیست؟» یا «راجع به انتخاب وکلا» هستیم که از پایه و اساس تلاش دارد تا فرهنگ مشروطه را به مردم آموزش دهد. سروش در شماره ۱ خود می‌نویسد:

وکیلی [باید انتخاب شود] که بقای مملکت را طالب است. باید روز به روز در مزید اتحاد و اتفاق دولت و ملت بکوشد. ملتی که حیات می‌خواهد باید دولت مشروطه خود را دسترنج خویش نگاه دارد (روزنامه سروش، ۱۳۲۷ق: شماره ۲).

حتی سروش بازتاب اخبار ایران در جراید غیرفارسی نظیر عثمان شروئید و منچستر گاردیان را ترجمه و منتشر می‌کرد تا برای جبران نقاط ضعف شاهد دیگری داشته باشد. نکته دیگر درباره سروش به رویکرد ایران‌گرایی آن باز می‌گردد. حضور نویسندگانی نظیر حسین کاظم‌زاده که بعدها مجله ایرانشهر را تأسیس کرد، گواهی روشن در اندیشه ورزی این روزنامه است. در شماره ششم سروش چنین مطلبی آمده است:

۲۰۰۰ سال پیش یعنی در آن زمان‌ها که از ملل معظمه یا متمدنه عصر حاضر نام و نشانی نبود اجداد نامدار ما به ایرانی بودن خود فخر و به نام ایران مباهات می‌نمودند. ایرانی بودن مانند موهبتی عظمی به شمار می‌آید به برگزیدگان خود عنایت می‌فرمود این کلمه که معنی اصالت، نجابت، شرف و عزت می‌داد همیشه در میان ملل و اقوام به تعظیم و احترام ذکر شده غبطه انگیز عالم بود (روزنامه سروش، شماره ۶، ۱۳۲۷ق: ص ۱).

در مطالب چنین روزنامه‌ای که حاصل اندیشه جمعی آزادی‌خواه و مشروطه‌طلب است و تلاش در استقرار مجدد نظام پارلمانی دارد، دور از انتظار نیست که مسئله استقلال کشور از حیاتی‌ترین عناوین باشد. تاریخ ده‌ماهه تبریز، رقابت روسیه و انگلستان و سوءقصد روسیه به کدام ملت است؟ نشان از روحیه روسیه‌ستیزی بالایی سروش دارد:

دولت روسیه بهانه اینکه اتباع خارجه در ایران در معرض خطر هستند، مداخله نظامی خود را در قالب حمایت رعایای دولت خارجه قلمداد کردند، دولت‌های اروپا را اقبال می‌کنند، دولت انگلستان راه به وعده اینکه حدود عهدنامه اخیر خودشان را که ملت پارلمان ایران پروتست کرده است تجاوز نخواهد نمود ریشخند می‌نماید، دولت و ملت ایران را با اظهار اینکه عن‌قریب عساکر خود را از ولایت ایران پس خواهد کشید گول می‌زند (روزنامه سروش، شماره ۷، ۱۳۲۷ق: ص ۴).

اگر بخواهیم جهت سیاسی - اجتماعی سروش را در یک دیدگاه خلاصه کنیم؛ روزنامه سروش، بلندگوی انجمن سعادت ایرانیان، هدفی جز براندازی محمدعلی شاه و استبداد او، استقرار مجدد مشروطه و تأثیرگذاری بر جریان مشروطیت ایران ندارد. سروش روزنامه‌ای است کاملاً ملی‌گرا با روحیه بیگانه‌ستیزی که گاهی به دامان مذهب نیز می‌افتد.

۵. بازتاب مناسبات خارجی ایران در روزنامه سروش

قیام ستارخان و باقرخان، محاصره تبریز، حضور نیروهای نظامی روسیه در ایران و هراس انگلستان در قبال تجاوز و مداخله روسیه، از اتفاقات و حوادث تاریخی بسیار مهمی است که در زمان انتشار روزنامه سروش، در جریان است. این مسئله کافی است تا سروش به مناسبات خارجی ایران و مداخلات قدرت‌های استعماری در کشور واکنش نشان دهد. به ویژه زمانی که اختیارات مردم به موجب قانون اساسی مشروطیت، توسط محمدعلی شاه از میان رفته و مشروطیت با زور و خفقان به سکوت گرویده بود.

سروش از تجربه تلخ انحلال مشروطه این گونه سخن می گوید:

ای آزادگان ایران و ای آوارگان جهان، دیرگاهی است [که] غیرتمندان شما در راه استقلال وطن عزیز بسی فداکاری نمودند. جان، مال و عمر خود را به رایگان در این راه دادند... با وجود این، هنوز کشتی استقلال ما دچار طوفان و اساس قویم ملت ما باز یچه دست بیگانگان است. صفحه سیاست دولت و ملت قدیم ما جولانگاه افکار عمیق همسایگان است... حال که ایرانیان با مشروطیت تلاش داشتند که استقلال داخلی و خارجی خود را ترتیب دهند، این استقلال در مسیر خود دچار طوفان‌های داخلی و خارجی شده است... ریشه تجاوزات نامشروع اجانب در ایران ریشه دارد، اما پس از مشروطیت متزلزل گشته و رشته‌های متصل آن از یکدیگر انفصال یافته است (روزنامه سروش، شماره ۱، ۱۳۲۷ق: ص ۱).

نکته قابل تأمل دیگر آنکه مناسبات سیاسی پیش و پس از فتح تهران و خلع محمدعلی شاه با یکدیگر متفاوت بوده و باید این تفاوت را در نظر داشت.

۱-۵. مناسبات سیاسی ایران و روسیه

منطق مناسبات سیاسی و فهم آن، از خود مناسبات سیاسی اهمیت والاتری دارد. مناسبات سیاسی ایران با دیگر قدرت‌های خارجی در دوره قاجار، به صورت عمومی نقطه اختلاف میان دولت و ملت نبوده است. اولین اقدام علیه مناسبات سیاسی ایران را می‌توان در قرارداد رژی یا تالوت جست‌وجو کرد. در سال ۱۹۰۹م سروش اقدامات روسیه را نه مناسبات سیاسی، بلکه حمایت از استبداد و مداخله غیر مشروع می‌داند. بغض و کینه ایرانیان نسبت به روسیه امر جدیدی نبود. عهدنامه گلستان در سال ۱۸۱۳م و ترکمنچای در سال ۱۸۲۸م آغاز این بغض بود. در خصوص مشروطیت اما محمدعلی شاه از دوران ولیعهدی خود نسبت به مشروطه و جنبش مردمی، سخت واهمه داشت. این مخالفت بخشی از طریق دیدگاه او نسبت به مردم بود: «مردم را همیشه زیر دست خود دیده» و بخشی از آن حمایت بی چون و چرای دربار روسیه از استبداد وی «و چون دولت روس با جنبش

توده، چه در کشور خود و چه در ایران، سخت دشمن می‌بود، از این رو در این هنگام محمدعلی میرزا را به خود نگزارد» دشمنیش را با مشروطه بیشتر می‌گردانید» (کسروی، ۱۴۰۲: ۵۹۹).

در آستانه انقلاب مشروطه ایران در سال ۱۹۰۶م، به صراحت مشاهده می‌شود که ایران، در وابستگی به قدرت‌های خارجی و در مدار اقتصادی روسیه قرار دارد تا در مدار اقتصادی انگلستان. در سال ۱۹۰۴م جمع تجارت ایران با روسیه در مجموع بالغ بر ۳/۷۵ - ۵/۵ میلیون پوند استرلینگ و مجموع تجارت ایران با انگلستان ۲/۵ تا ۳ میلیون پوند استرلینگ گزارش شده است (فوران، ۱۴۰۲: ۱۷۸). در ۲۸ آوریل ۱۹۰۹م سه هزار نفر از قوای روسی به فرماندهی ژنرال زنارسکی از رود ارس عبور کردند و شهرهای عمده آذربایجان را یکی پس از دیگری تصرف نمودند (مهدوی، ۱۳۵۶: ۳۱۹). در مقابل اعتراض دولت ایران نسبت به این قشون‌کشی، دولت روسیه اطمینان رسمی داد که سربازان وی در کارهای داخلی تبریز دخالت نخواهند کرد (طاهرزاده بهزاد، ۱۴۰۳: ۱۴۷).

اقدامات نامشروع روسیه نسبت به ایرانیان در تبریز، از مطالب پرتکرار در سروش است. در شماره نخست روزنامه مطلبی با عنوان «کتابچه‌ای راجع به تجاوزات غیرحقوقه روسیه» منتشر شده است که در آن ستون، ۳۶ مورد از تجاوزهای روسیه به مردم در تبریز و محاصره این شهر مطرح شده است: «در امیرخیز و راسته کوچه، سالدات‌های روس به زن‌ها متعرض شده‌اند... سالدات‌های روس بعضی روزها در کوچه‌های شهر و بعضی محله‌های خیلی دور که نشیمن اروپایی ندارد می‌گردند، مثل محله آقاخان آباد... شب ۲۶ ماه ربیع الثانی، جمعی از سالدات‌ها در درب خانه ثقة‌السلام تا ساعت سه از شب رفته، ایستاده، عابری را تفتیش و جیب بغلشان را می‌گردند» (روزنامه سروش، شماره ۱، ۱۳۲۷ق:

ص ۴-۵). گزارش‌های سروش حاکی از شکافی عمیق میان دولت و ملت است؛ به این معنا که روس‌ها در آذربایجان به حقوق شهروندان مداخله و تجاوز می‌کردند و در مقابل دولت مرکزی اقدامی در جهت اصلاح رفتار آنان نداشت. در مجلس اول به دنبال اختلاف‌هایی که بین مشروطه‌خواهان و شاه به وجود آمده بود، انجمن‌ها و مشروطه‌خواهان به فکر ایجاد قشون ملی افتادند تا در صورت لزوم از این قشون ملی علیه قشون دولتی استفاده کنند (آجودانی، ۱۴۰۳: ۱۹۶). شکاف بین ملت و شاه از پیش ایجاد شده بود و حال با حضور سالدات‌های روسیه در ایران، در حمایت از شخص شاه شکاف بین دولت-ملت در حال افزایش بود. اشغال آذربایجان پس از به توپ بستن مجلس و اعاده رژیم استبدادی، دومین نتیجه مستقیم قرارداد ۱۹۰۷ به شمار می‌رفت (هوشنگ مهدوی، ۱۳۵۶: ۳۱۹).

ریشه تجاوز و مداخلات سیاسی و نظامی روسیه در ایران، از دیدگاه سروش در سده ۱۹م و رقابت میان دولت‌های روسیه و انگلستان است. در سر مقاله «رقابت روسیه و انگلیس در آسیا»، سروش به ریشه این اختلافات می‌پردازد و در چهار قسمت شمارگان خود آن را تدقیق می‌کند. با توجه به اینکه قسمت اول این سر مقاله در خصوص «نفوذ روس و انگلستان در ایران» می‌باشد، اما سروش به طور کلی آسیا را مورد تعدی دولت‌های استعماری روسیه و انگلستان دانسته و در قسمت سوم سر مقاله، در خصوص «حضور انگلستان در تبت» مطالبی نگاشته است. انگلستان در ابتدای امر، فارغ از ارزش اقتصادی و تجاری ایران، این کشور را به عنوان نواری حائل بر علیه روسیه در حفاظت از هندوستان می‌داند (فوران، ۱۴۰۲: ۱۷۴).

یکی از سر مقاله‌های روزنامه سروش که حمله تندوتیزی به روسیه دارد، سر مقاله «سوءقصد روس به کدام ملت است؟» می‌باشد. دهخدا در این سر مقاله، اختلاف‌های داخلی ایران

را مثل تزیین و رنگ‌آمیزی خانه می‌شمارد. «دولت روسیه می‌خواهد از نفاق صوری چنین ملتی [ایران] نتیجه حاصل کند» (روزنامه سروش، شماره ۲، ۱۳۲۷ق: ص ۱). سروش در زمانه خود، نیت و قصد روسیه را نیکو ارزیابی کرده بود. روسیه بر خلاف انگلستان، تأکیدی اساسی بر حفظ تمامیت ارضی ایران و استقلال ایران داشته و به نوبه خود، با اقدامات خویش این مسئله را در معرض نمایش برای جهانیان قرار داده است. وزیر امور خارجه روسیه در سال ۱۹۰۴م به وزیر مختار روسیه در تهران، در مورد حمایت از استقلال ایران می‌نویسد: «محافظة از تمامیت قلمرو شاه، بدین معنی است که نه خودمان ادعاها و مطالبات ارضی داشته باشیم، نه به قدرت سومی چنین اجازه‌ای بدهیم». این متن بدین معنا است که روسیه با حمایت صد در صدی از شاه ایران، قصد داشته علاوه بر تثبیت سلطه خود بر ایران، داعیه دفاع و اتحاد با ایران را داشته باشد. این‌گونه می‌تواند در امور داخلی مداخله داشته باشد و طبق یک قرار رسمی و مشروع با شاه ایران در صورت نیاز در برابر قدرت سوم نیز ایستادگی کند. در همین سر مقاله دهخدا که از شرایط داخلی روسیه آگاه است، گریزی به آن زده و می‌نویسد: «در حکومت حاضر روسیه، هر یک از ملل مختلف متبوعه او، هر دقیقه منتظر یک وقت‌اند که یک ثانیه زودتر خود را از قید رقت و فشار ظلم او خلاص کرده و علم استقلال خود را بلند کنند» (روزنامه سروش، شماره ۲، ۱۳۲۷ق: ص ۱). دهخدا روسیه را خوار کننده استقلال دیگر کشورها می‌داند، اما همچنان از روسیه انتظار تسخیر ایران را ندارد. به این دلیل که در سال ۱۹۰۵م در مبارزه روسیه و ژاپن، ژاپن به عنوان یک قدرت مشروطه، در برابر یک قدرت استبدادی و سلطنتی ایستادگی کرد و باعث شکست روسیه شد.

بر همین منوال بود که ضعف‌های دولت روسیه در عرصه جهانی نمود یافت و روند سلطه این کشور بر ایران را تا سال

۱۹۰۷-۱۹۰۸م گند ساخته بود. موازنه قدرت در مقطع مورد نظر ما میان روسیه و انگلستان با قرارداد ۱۹۰۷م تثبیت شده بود. در همین شماره، سرمقاله‌ای با عنوان «ایران حق ایرانیان است» نشان از روحیه استقلال‌طلبی و یکپارچگی داخلی ایران از دیدگاه نویسندگان سروش دارد. این مقاله به امضای «یحیی‌الحسینی» است: «طبیعی است ایرانی که می‌گویم حق ایرانیان است، مراد از آن، آب‌و‌خاک ایران و حقوق ملکیه، مالیه و استقلالیه آن است» (روزنامه سروش، شماره ۲، ۱۳۲۷ق: ص ۲). یکی از مسائل مهمی که در سروش مشاهده می‌کنیم، مسئله مبارزه سراسری علیه دولت روسیه است که به خاک ایران دست درازی و خون‌هم‌وطنان را می‌ریزد. این مبارزه از طرف انجمن سعادت و روزنامه سروش در قالب «تحریم امتعه روسی» عنوان می‌شود: «قاطع‌ترین شمشیرها در میدان جنگ، اقتصادی و پولتیک از رواج انداختن تجارت است... آن روزی که ملت ایران، قند، چای، پارچه و شمع روسی را استعمال نکرد، همان روز هزاران کارخانه، راه‌آهن و کشتی‌های روسی از کار افتاد» (روزنامه سروش، شماره ۴، ۱۳۲۷ق: ص ۱). سروش در مقطعی این مطالب را می‌نویسد که در عمل، عموم مردم ایران، نویسندگان و برخی رجال سیاسی از مداخلات غیرمشروع و غیرقانونی دولت‌های خارجی به ستوه آمده‌اند: «هر یک از دولت‌ها در تنظیم و تشکیل امور داخلی و خارجی خود آزاد است و دولت دیگر حق مداخله به امور وی را ندارد و عدم مداخله یکی از وظایف مهم دولت‌ها است» (روزنامه سروش، شماره ۴، ۱۳۲۷ق: ص ۳).

در سرمقاله «کار ایران چه خواهد شد؟» در شماره سوم روزنامه که به امضای یحیی‌الحسینی است، نویسنده از سه طایفه درباریان نام می‌برد که باعث اختلافات داخلی و خلل در کار دولت-ملت می‌شوند: «یک طایفه جمعی از بوالهوسان بی‌علم طایفه دوم جمعی از روسیان که معلمین

ماشین سلطنت محسوب می‌گردند و [معتقدند] ماشین سلطنت حاضر ایران در فابریک‌های سن‌پترزبورگ ساخته شده» (روزنامه سروش، شماره ۳، ۱۳۲۷ق: ص ۲). حسین کاظم‌زاده در سرمقاله «وظیفه و مسئولیت دولت» درباره مداخله این چنین می‌نویسد:

مداخله به امور داخلی؛ وقتی که در یک مملکت اختلال و انقلاب واقع شود تا آن انقلاب و اختلال به خارج حدود توسعه و سرایت نکرده است، هیچ یک از حکومت‌ها حق مداخله به امور آن مملکت را ندارند و فقط برای منع سرایت اختلال در داخل ممالک خود می‌توانند برخی تدابیر احتیاطی به کار برند و اختلال را نمی‌توانند برای مداخله دست‌انویز قرار دهند (روزنامه سروش، شماره ۴، ۱۳۲۷ق: ص ۳).

با ورود قوای روسیه به ایران و نفوذ روسیه در دربار و نظرات محمدعلی شاه، لندن احساس خطر جدی می‌کرد. مخصوصاً این که در آوریل ۱۹۰۹م عبدالحمید دوم در عثمانی توسط ترک‌های جوان خلع شده بود و این پیروزی مشروطه‌طلبان عثمانی، تولید هیجان در ایران می‌کرد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۵۶: ۳۱۹). به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی توسط محمدعلی شاه با دخالت مستقیم مهره‌های روسی نظیر لیاخوف و شاپشال، عملاً کشور را به جنگ داخلی کشاند. در میان داوطلبان نبرد علیه محمدعلی شاه، داوطلبان خارج از کشور از همان کشور روسیه به ایران وارد می‌شدند. آبراهامیان آنان را از حزب سوسیال دموکرات روسیه، دانشناک‌های ملی‌گرای ارمنی و حزب همت ایرانیان در باکو می‌داند که با شعار «عشق به آزادی وطن ندارد» پس از انقلاب ۱۹۰۵م، نگاه خود را معطوف به ایران ساخته بودند (آبراهامیان، ۱۴۰۲: ۱۰۲).

سقوط محمدعلی شاه و ماجرای فتح تهران در شماره ۴ روزنامه سروش، مورخ ۳ رجب ۱۳۲۷ق به عموم مخاطبان روزنامه مخابره شد و روزنامه با شعری از حسین دانش و تصویری از احمدشاه، شماره ۴ را آغاز کرد. با وجود سقوط

عناوین مذکور در جدول شماره ۱ مقالات و مطالبی هستند که به طور مستقیم ارتباط ایرانیان با روسیه را در دوران استبداد صغیر گزارش کرده‌اند. در جدول شماره ۲ مطالبی ذکر خواهیم کرد که در بررسی روابط خارجی ایران، نام روسیه در کنار دیگر کشورهای غربی نظیر فرانسه و انگلستان، یا همسایگانی نظیر عثمانی آمده است.

جدول ۲. عناوین مربوط به «رقابت روسیه و انگلستان» و «تأثیر روابط روسیه و انگلستان بر ایران

شماره انتشار	نویسنده/مترجم	عنوان مقاله
شماره اول	محمدصادق گرگانی	رقابت روسیه و انگلیس در آسیا
شماره دوم	یحیی‌الحسینی	ایران حق ایرانیان است.
شماره پنجم	حسین کاظم‌زاده	وظیفه و مسئولیت دولت (قسمت آخر؛ درباره مداخله و تجاوز)
شماره سیزدهم	بی‌نام	انگلیس، روسیه و ایران

با بررسی مفاهیم کاربردی و دفعات تکرار آن‌ها در مطالب روزنامه می‌توان به شناخت روشنی از آرمان‌های نویسندگان روزنامه و اصول مورد نظر آنان رسید. البته باید خاطر نشان کنیم که در کنار مفاهیم ذیل جدول ۳، مفاهیم عمده دیگری در مطالب روزنامه نهفته‌اند.

جدول ۳. فراوانی مفاهیم کلیدی روزنامه سروش

مفاهیم کاربردی و مهم	دفعات تکرار
آزادی	۸۱ مرتبه
استقلال	۴۷ مرتبه
ایران	۷۵۹ مرتبه
روسیه	۳۹۱ مرتبه
قانون	۸۴ مرتبه

استبداد محمدعلی شاه، سروش ریشه‌های ارتباط مابین دربار و روسیه را در شماره‌های بعدی خود دنبال می‌کند. هدف سروش رسیدن به یک اجماع ملی علیه وابستگی سیاسی به دیگر کشورها است: «دولت روس در مقابل یک قیام عمومی که از یک سرتاسر دیگر ایران را گرفته بود، فزاینده‌ای خود را به طرف تهران سوق کرد که یک ساعت زودتر از قشون ملی پایتخت را متصرف شود. ولی در مقابل همان قیام عمومی بر حسن خاتمه خود مردد بود» (روزنامه سروش، شماره ۷، ۱۳۲۷ق: ص ۱).

۱-۱-۵. بررسی مفاهیم/عناوین کلیدی روزنامه سروش با محور روسیه

مقالات عمده‌ای در روزنامه سروش مستقیماً با دخالت روسیه در ایران و خدشه‌دار شدن استقلال ملی در جریان بوده است. به برخی از مقالاتی که مستقیماً به روسیه و ایران اشاره دارند، به همراه نام نویسنده و شماره روزنامه در جدول ذیل اشاره شده است.

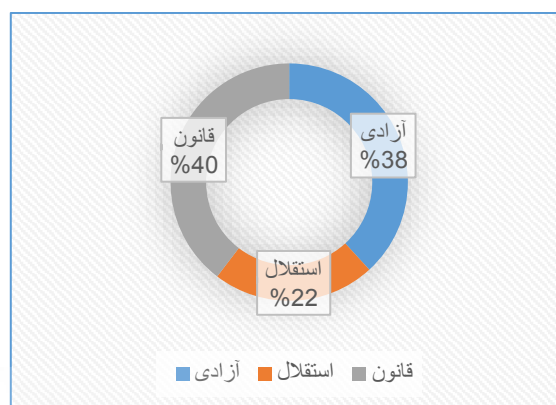
جدول ۱: عناوین مقالات مربوط به روسیه

شماره انتشار	نویسنده/مترجم	عنوان مقاله
شماره اول	به گزارش وحیدالملک و دیگران	کتابچه‌ای درباره وقایع تبریز
شماره دوم	علی اکبر دهخدا	سوء قصد روس به کدام ملت است؟
شماره چهارم	علی اکبر دهخدا	بایوکتاژ یا تحریم امتعه روس
شماره هفتم	نقل از روزنامه قفقاز به امضا ک.	ملاقات با لیاخوف
شماره نهم	حسین کاظم‌زاده	عساکر روس تا کی در ایران خواهند ماند؟
شماره یازدهم	نقل از روزنامه منچستر گاردین، مترجم: بی‌نام	اتفاقات ایران و خروج عساکر روس

طریق این مرز با مفاهیم مدرن و متجدد آشنا می‌شدند. ترکان عثمانی در رویارویی با مفاهیم مدرنیته، متقدم بر ایرانیان بودند. به همین خاطر است که در کنار اسامی مانند بمبئی، تفلیس، قاهره و کلکته، شاهد حضور گسترده ایرانیان در استانبول و بازتاب روزنامه در عثمانی هستیم.

مهاجرت ایرانیان به کشور عثمانی، در دو مرحله به وقوع پیوست. دوره اول آن مصادف با عصر ناصری بود. سانسور و استبداد و خفقان در داخل ایران منجر شد تا بسیاری از ایرانیان به جهت مخالفت‌های سیاسی و اجتماعی گوناگون با دولت ایران، به عثمانی بروند. دوره دوم مهاجرت به استانبول نیز مصادف با به توپ بستن مجلس شورای ملی توسط محمدعلی شاه و حامیان استبداد بود. هم‌زمان با حوادثی که در جریان است، عثمانی از سال ۱۹۰۸م، با دوره نخست یا «دوره ژون‌ترک‌ها» همراه است: «انجمن اتحاد و ترقی [انجمن آزادی عثمانی] ترجیح می‌داد اهداف خود را در داخل نظم حکومتی موجود با حضور پادشاه و حکومت دنبال کند» (کارپات، ۱۴۰۱: ۹۷). اهداف این انجمن دستیابی به قانون اساسی، آزادی فردی، جلوگیری از دخالت‌های سیاسی بیگانگان و غیره بود. با شرایطی که در ایران حکم فرما بود، احساس نزدیکی و دوستی بسیاری میان آزادی خواهان دو کشور احساس می‌شد. در سال ۱۹۰۹م، عثمانی برای ایرانیان از بهترین انتخاب‌ها محسوب می‌شد. طاهر زاده بهزاد در قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران گواهی می‌دهد: «پس از به دار آویختن سران آزادی در تبریز، بسیاری از دوستان نزدیک و آزادی خواه من در تبریز مانده و چندین ماه با هزاران مشقت و ترس و وحشت مخفی شده و بالاخره توانسته بودند جان خود را به سلامت برده و خود را به استانبول برسانند» (طاهرزاده بهزاد، ۱۴۰۳: ۱۵۰). روزنامه سروش دولت مشروطه عثمانی را محترم می‌شمارد. مملکت عثمانی که میزبان مشروطه خواهان، بازرگانان و

در بین آرمان‌های سروش و نویسندگان آن به مراتب «قانون، آزادی و استقلال» مشهود است. نظر به مفاهیم مهم و پرتکرار مشخص می‌شود که نویسندگان روزنامه میان آرمان‌های خود، «قانون» را بر دو اصل دیگر متقدم می‌دانند.



نمودار ۱. بسامد مفاهیم «آزادی»، «استقلال» و «قانون» در روزنامه سروش

۲-۵. مناسبات ایران با عثمانی

ایران و عثمانی به واسطه نزدیکی مرزها و البته حافظه جمعی مشترک، در زبان، تاریخ و ادبیات، از دیرباز ارتباطات نزدیکی با یکدیگر داشتند. حال اینکه این ارتباطات، موجب جدل و ستیز باشد یا صرفاً ارتباط سازنده فرهنگی، اقتصادی و بازرگانی. برای مثال پیش از تشکیل دولت صفویه و عثمانی، اتباع دو طرف به انگیزه‌های گوناگون به قلمرو یکدیگر رفت‌وآمد می‌کردند. در دوره قاجار بیشتر شد مهاجران ایرانی زیادی برای مدت طولانی یا به صورت مادام‌العمر در عثمانی ساکن می‌شدند. حضور آنان تأثیر مهمی در روابط دو کشور داشت (دهقان‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۴). این روند به هنگام پیروزی انقلاب مشروطه و پس از بمباران مجلس فزونی گرفت؛ چرا که وجه اشتراک ایران و عثمانی برخورد با تجدد بود (کیانی‌شاوندی و خلیج، ۱۴۰۲: ۱۳). به واسطه آنکه استانبول سرزمین حائل میان ایران و غرب بود، عموماً روشنفکران ایرانی و بازرگانان از

محور کسب استقلال و محکومیت روسیه همراه بود، مقالات مربوط به عثمانی به طور عمومی با دوستی و همراهی آزادی‌خواهان دو کشور همراه است.

جدول ۴. عناوین و سرمقالات مربوط به عثمانی

شماره انتشار	نویسنده/ مترجم	عنوان مقاله
شماره اول	علی اصفهانی	تأثیر وقایع ایران بر عثمانیان
شماره پنجم	علی اکبر دهخدا	بدون عنوان (مقایسه مشروطه ایران و عثمانی)
شماره سوم	بی‌نام	نقل از جراید محلی عثمانی
شماره پنجم	بی‌نام	خطابه شاگردان مدرسه معارف عثمانی در جشن ملی مشروطه در انجمن سعادت
شماره ششم	بی‌نام	نقل از روزنامه عثمانی شرلوئید (گزارش درباره روسیه)
شماره هفتم	عائله مرحوم رفیق بیک مانیاسی زاده	مکتوب یکی از مخدرات عثمانی به انجمن سعادت
شماره هشتم	حسین کاظم زاده	معارف ایران و مدارس عثمانی

تکرار عناوین/ مفاهیم مربوط به عثمانی همانند روسیه در روزنامه سروش قابل ارزیابی است.

جدول ۵. فراوانی عناوین مهم استانبول و عثمانی

عناوین / مفاهیم کلیدی	دفعات تکرار
استانبول	۲۶ مرتبه
عثمانی	۱۱۷ مرتبه

احرار انجمن سعادت است، به واسطه نزدیکی اندیشه، گرایش به سمت مطالب احرار و مشروطیت دارد. این گرایش پیش و پس از براندازی محمدعلی شاه و استبداد مشهود است. از همان شماره نخست روزنامه، به نقل از جراید محلی در کشور عثمانی، سروش به ارائه مطالبی می‌پردازد. نویسندگان عثمانی به واسطه نزدیکی زبان و ادبیات و از همه مهم‌تر مسلک سیاسی مشابه، از ایران طرفداری و هواخواه مشروطیت ایران هستند: «به نقل از جراید محلی عثمانی؛ روزگار حالیه همسایگان عزیز ما هم تا آن اندازه همان اوضاع است [اوضاع تثبیت مشروطیت عثمانی] بلکه بدتر و مشوش‌تر، زیرا که ما کار خودمان را بدون مداخله غیر به انجام رساندیم؛ ولی در ایران دست ناپاک بیگانه داخل کار شد و پای نامحرمان به میان آمد» (روزنامه سروش، شماره ۱، ۱۳۲۷ق: ص ۳). بازتاب حمایت از مشروطیت ایران و پارلمان ملی، در روزنامه‌های عثمانی نظیر عثمان شرلوئید و مخابره پیام‌های پارلمان عثمانی یا وکلای مردم به انجمن سعادت قابل مشاهده است: «به نقل از عثمان شرلوئید، بند مخصوص ایران: در عالم تمدن، هیچ دولتی نیست که مانند ما حرکات حریت پرورانه احرار ایران و صحنه‌های انقلابی که امروز این مملکت دچار آن است حس نماید. روابط موجود بین عثمانیان و ایرانیان، منحصر به رابطه همسایگی و خاکی نیست. بلکه روابط دینیه، اقتصادی و ادبیه در میان ما موجود است» (روزنامه سروش، شماره ۴، ۱۳۲۷ق: ص ۵)؛ یا درباره عثمانی می‌نویسد: «دومین دولت هم دولت عثمانی که به همت غیرت ژون ترک‌ها در سایه اردوی حمیت، نهاد قانون اساسی سال ۱۲۹۳ را استرداد و اساس مشروطیت و آزادگی را با اقدامات بر شالوده محکم گذاشته» (روزنامه سروش، شماره ۶، ۱۳۲۷ق: ص ۴). نظیر بررسی مقالات مربوط به روسیه، بررسی مقالات مربوط به عثمانی نیز قابل ارزیابی است. برخلاف روسیه که نگارش مقالات با

گویا «بازی بزرگ» میان دو کشور استعماری کمرنگ می‌شود.

پس از شکست ایران از روسیه در جنگ ده ساله و سه ساله و دخالت سفیران در شرایط داخلی کشور، بست‌نشینی و پناهندگی به سفارت‌خانه‌ها میان مردم شایع شد. هرچه ضعف دولت در جامعه بیشتر پدیدار می‌شد و ناتوانی پادشاه در پاسخگویی به مشکلات بیشتر نمایان می‌شد، مسئله بست‌نشینی یا تحت‌الحمایگی به همان درجه زیاد می‌شد:

«عده‌ای از رجال، نظیر میرزا آقاخان نوری خود را

تحت‌الحمایه دولت فخریه معرفی می‌کردند، بازرگانانی مثل برادران قندهاری، صمد خان و غیره که اموال و دارایی آنان در خطر بود و یا ارباب‌ها تصمیم می‌گرفتند آن‌ها را آلت فعل خود کنند، فوراً در پناه سفارت و سفیر انگلستان قرار می‌گرفتند» (رائین، ۱۳۷۳: ۳۸۱). در جریان پیروزی

مشروطه نیز شاهد بودیم که عده‌ای از روحانیون تهران، بازرگانان و مردم، به همراهی روشنفکران به سفارت انگلستان

در تهران پناهنده شدند. رفته‌رفته بر شمار آن‌ها [بست‌نشینان

سفارت] افزوده شد و در مدت اندکی، چهارده هزار نفر در

باغ سفارت گرد آمدند (آبراهامیان، ۱۴۰۱: ۱۰۸). حتی پس

از واقعه به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی، بار دیگر نام

سفارت انگلستان و التجا برخی مشروطه‌خواهان را

می‌شنویم: «آنان [دهخدا و تقی‌زاده] روز بمباران مجلس به

خلنه یکی از همسایگان تقی‌زاده پناه می‌برند و شب را در

آنجا می‌مانند، شبانگاه خود را به سفارت انگلستان می‌رسانند

و ۲۵ روز در آنجا می‌مانند» (دهخدا، ۱۴۰۲: ۲۳).

آزادی‌خواهان و مشروطه‌طلبان گمان می‌کردند که واکنش

انگلستان به سیاست استبدادی محمدعلی شاه و هم‌تایان

روسی او، کمی جدی و در راستای حمایت از مشروطیت و

پارلمان باشد. البته که در خلال محاصره سفارت انگلستان

توسط محمدعلی شاه، برای جلوگیری از پناهندگی

مفاهیم/عناوین پرتکرار در روزنامه سروش با تکیه بر عنوان

مقالات ذکر شده بیشتر درباره مراتب دوستی بین

آزادی‌خواهان ایرانی و عثمانی است و مطالب یا بیشتر ترجمه

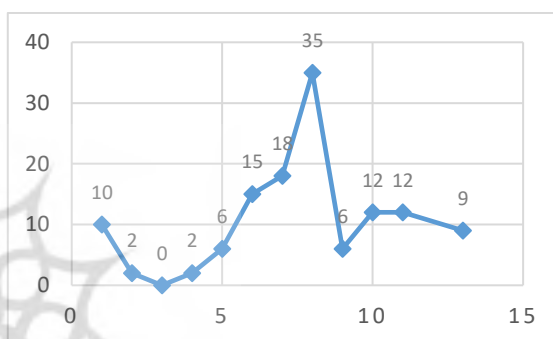
از مطبوعات داخلی عثمانی است یا اعلام حمایت یا تبریک

پس از استقرار دوباره مشروطیت در ایران: «زنده باد ایرانیان.

ای ملت نجیب ایران و ای عنصر حیات اسلامیان. سپاس

یزدان را که دوباره پرتو خورشید آزادی در ساحت کشور ایران

برتافت» (روزنامه سروش، شماره ۵، ۱۳۲۷ق: ص ۷).



نمودار ۲. بسامد «عثمانی» در روزنامه سروش

۳-۵. مناسبات ایران با انگلستان

ارتباط ایران و انگلستان، به صورت عمومی حول محور

منافع اقتصادی و تجاری انگلستان در گردش بوده است.

انگلستان در درجه نخست هدف خود را توازن قدرت در آسیا

قرار داده بود. حال آن که این فراز و نشیب، گاهی بر مدار

خواسته‌های انگلستان بود. مبارزه میان دو دولت روسیه و

انگلستان، در عصر شاه سلطان حسین به صورت ضعیف

آغاز شد اما از دوره فتحعلی شاه به اوج خود رسید. وُلف،

کاردار سفارت بریتانیا در تهران به نقل از ناصرالدین‌شاه

می‌گوید: «تضاد موجود در روسیه با انگلستان طوری است

که اگر بخواهیم برای گشت‌وگذار یا شکار به شمال، شرق یا

غرب کشور بروم باید با نماینده دولت انگلستان مشورت

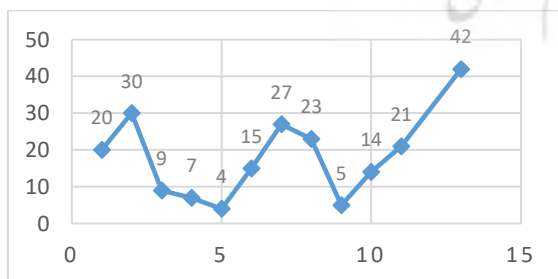
کنم و اگر بخواهم به جنوب بروم باید نظر روسیه را جویا

شوم» (فوران، ۱۴۰۲: ۱۷۱). در سال‌های نزدیک به ۱۹۰۹م

جدول ۶. عناوین و سرمقالات مربوط به انگلستان

شماره انتشار	نویسنده / مترجم	عنوان مقاله
شماره اول	بی‌نام	سؤال و جواب وزیر خارجه انگلستان در پارلمان راجع به ایران و نقد و بررسی روزنامه سروش
شماره دوم	محمد صادق گرگانی	رقابت روسیه و انگلیس در آسیا
شماره سوم	حسین کاظم‌زاده	وظیفه و مسئولیت دولت (مداخله روسیه و انگلیس در ایران)
شماره هفتم	بی‌نام	نقل از روزنامه مورنینگ پست لندن راجع به احوالات ایران
شماره یازدهم	بی‌نام	کتاب سفید راجع به ایران
شماره سیزدهم	بی‌نام	کتاب سفید؛ منطقه ائتلاف روسیه و انگلیس

با بررسی بسامد تکرار عناوین / مفهوم انگلستان می‌توان به محتوا مطالب نیز دست پیدا کرد. چنانچه ذکر شد این مطالب بیشتر با محوریت تاریخ استعمار و مداخله انگلستان در آسیا / ایران همراه است. در دو شماره یازدهم و سیزدهم مقاله‌ای با عنوان «کتاب سفید راجع به ایران» مشاهده می‌کنیم.



نمودار ۳: بسامد تکرار عنوان / مفهوم انگلستان در شماره‌های

روزنامه سروش

مشروطه‌خواهان، خشم کاردار سفارت بر افروخته شد. دلیل خشم او محاصره و نادیده‌انگاشتن مصونیت سیاسی سفارت بود. ادوارد براون در قبال این پرسش که چرا انگلستان در مقابل انحلال مجلس سکوت کرد، می‌نویسد: «بسیاری از ایرانیان بر آن بودند که هدف واقعی بریتانیای کبیر جلوگیری از شیوع عقاید آزادی‌خواهانه در آسیا بود، از آن می‌ترسید که این افکار به مصر و هندوستان نیز رخنه کند. قصد داشت ایران را ضعیف و از هم‌گسیخته نگاه دارد و ایالات هم‌مرز هندوستان [سیستان و کرمان] در همین وضعیت نآباد حفظ شود» (فوران، ۱۴۰۲: ۲۸۳).

به همین خاطر می‌توانست در لحظه تغییر رفتار بدهد و مطابق میل یکی از دو جبهه درگیر رفتار کند؛ از روزنامه دیلی نیوز انگلستان گزارش می‌دهد که وزارت امور خارجه انگلستان «اشغال عسکری روس» را مساعدت می‌کند و از سوی دیگر می‌نویسد: «همان فرانسوی‌ها، همان انگلستانی‌ها و همان دنیای متمدن که تا یک روز پیش از ورود قشون اصفهان و رشت به تهران، اعمال مجاهدین را تقبیح می‌کرد، فردای روز فتح پایتخت به بزرگی، شرف، نجابت، قانون‌طلبی و انسانیت احرار (غالبین) در تمام روزنامه‌های خود و دوائر خود اعتراف کرد» (روزنامه سروش، شماره ۸، ۱۳۲۷ق: ص ۱). بررسی مقالات مربوط به انگلستان نشان می‌دهد روزنامه سروش نسبت به این کشور به طور عمده دو کنش سیاسی داشته است؛ نخست بررسی نقش تاریخی انگلستان در مقوله استعمار و مداخله اقتصادی و سپس بازنشر اخبار مربوط به ایران در مطبوعات انگلستان.

۶. نتیجه‌گیری

روزنامه سروش، ارگان رسمی انجمن سعادت ایرانیان مقیم استانبول در سال ۱۹۰۹م منتشر شد و پس از چند ماه تعطیل شد. مدیریت و سردبیری این روزنامه با میرزا علی اکبر دهخدا بود و بسیاری از اندیشمندان ایرانی نظیر، آقا یوسف، کاظم‌زاده، حسین دانش، معاضدالسلطنه، یحیی دولت‌آبادی و غیره عضو گروه نویسندگان روزنامه بودند. سروش نقطه نظرهایی درباره ارکان مشروطیت، همانند پارلمان و نمایندگان، قشون ملی، سواد عمومی، استقلال و غیره داشت. در میان این نقطه‌نظرها، مسئله ارتباط ایران با دولت‌های قدرتمند خارجی بسیار مهم است، چرا که سروش از معدود روزنامه‌های آن عصر است که در ایران و دیگر کشورها مخیر یا خبرنگار دارد. از طرفی سروش در ارتباط تنگاتنگ با ایران مخصوصاً آذربایجان و دیگر مناطق مهم نظیر عتبات، اطلاعات درستی ارائه می‌دهد. نکته مهم دیگر آن که انجمن سعادت ایرانیان خود از حامیان مشروطه‌خواهی و استبداد ستیزی در داخل ایران است. روزنامه سروش در خصوص مناسبات ایران با قدرت‌های خارجی، طرفدار سرسخت استقلال است که در این زمان نه تنها از استقلال سیاسی خبری نیست، بلکه مناسبات ایران با تکیه بر شکاف بین دولت-ملت، به دو حالت درآمده است. شاه و دربار از یکسو مناسبات خارجه خود را خلق کردند و عموم مردم، احرار و مشروطه‌خواهان، برداشت دیگری از مناسبات خارجه دارند. این تعاریف دوگانه از مناسبات خارجه، به خاطر اقدام غیرقانونی محمدعلی‌شاه در به توپ بستن مجلس شورای ملی، حتی سیاستی دوگانه برای انگلستان نیز خلق کرد. هرچند که وزارت خارجه انگلستان مناسبات را در جهت منافع خود تنظیم می‌کند اما در این مقطع، سیاستی کجدار و مریز در خصوص ایران اتخاذ شده بود. در هر صورت انسجامی که در مناسبات خارجه ایران در سالیان

پیش از مشروطیت و پس از آن مشاهده می‌کنیم، در این مقطع زمانی به واسطه اختلافات داخلی، شاهد آن نیستیم. محوریت ارتباطات و مناسبات خارجی ایران، با سه کشور انگلستان، روسیه و عثمانی در جریان بود. مناسبات انگلستان و ایران در این مقطع زمانی در سکوت کامل خلاصه می‌شد. عثمانی نیز در عصر نوین خود گام نهاده بود اما با این حال به واسطه تسلط پارمان عثمانی بر کشور، جهت سیاسی و پیام‌های دولت عثمانی و جرابد این کشور، در جهت طرفداری و حمایت از اقدام مشروطه‌خواهان و محکومیت استبداد محمدعلی‌شاهی و هم‌تایان روسی وی بود. اما در خصوص روسیه‌تزاری، ماجرا کمی متفاوت بود. روسیه به صورت علنی و مستقیم، با بهانه «حمایت از شاه و اراضی ایران، حفظ استقلال کشور، حمایت از تبعه خارجه و روسیان در ایران» در کشور مداخله نظامی و سیاسی داشت. فتح تهران و احیا مجلس شورای ملی همانقدر که اقدامی بر ضد محمدعلی‌شاه و استبداد وی بود، اقدامی بر ضد سیاست روسیه نیز بود.

کتابنامه

- آبادیان، حسین، بحران مشروطیت در ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۳.
- آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نی، چاپ سی‌وهشتم، ۱۴۰۱.
- آبراهامیان، یرواند، تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی، چاپ بیست‌وهشتم، ۱۴۰۲.
- آجودانی، ماشالله، مشروطه ایرانی، تهران: اختران، چاپ هفدهم، ۱۴۰۳.
- دهخدا، علی‌اکبر، چرندوپرند، به کوشش ولی‌الله درودیان، تهران: نیلوفر، چاپ چهارم، ۱۴۰۲.
- دهقان‌نژاد، مرتضی و مینا معینی و بهناز قانده شرفی، «بررسی تغییر تابعیت اتباع ایران و عثمانی و واکنش دولت ایران نسب به آن در فاصله سال‌های ۱۹۰۰-۱۹۲۲م/۱۳۱۷-۱۳۴۱ق از خلال منابع و اسناد ایرانی»، دوفصلنامه تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی

و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۳۳-۶۰، بهار و تابستان ۱۳۹۵.

- روزنامه سروش، استانبول، شماره ۱، شماره ۲، شماره ۴، شماره ۶، شماره ۷، شماره ۸، شماره ۹، شماره ۱۱، ۱۳۲۷ق.

- طاهرزاده بهزاد، کریم، قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران، تهران: ارس، ۱۴۰۳.

- طولابی، توران، «سروش استانبول: پیش‌درآمدی بر روزنامه‌نگاری ملی‌گرایانه و تجددخواه»، نشریه پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ششم، شماره ۲، صص ۹۷-۱۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.

- فوران، جان، تاریخ تحولات اجتماعی ایران (مقاومت شکننده)، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا، چاپ بیست‌ودوم، ۱۴۰۲.

- کسروی، احمد، تاریخ انقلاب مشروطه، تهران: نگاه، چاپ چهاردهم، ۱۴۰۲.

- کیانی‌شاوندی، اسکندر و محمد مهدی مرادی خلیج، «تحلیلی بر نقش روزنامه‌های اختر و سروش در انتقال گفتمان انتقادی متأثر از فضای فکری استانبول به ایران در دوره قاجار»، فصلنامه مطالعات تاریخی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره ۲۵، صص ۸-۳۱، بهار ۱۴۰۲.

- مایکل امین، کامرون، «مطبوعات و دیپلماسی عمومی در ایران (از قاجار تا پهلوی اول)»، ترجمه مصطفی لعل شاطری، فصلنامه تاریخ نو، شماره ۱۷، صص ۱۳۳-۱۶۷، زمستان ۱۳۹۵.

- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: امیرکبیر، چاپ بیست‌ودوم، ۱۴۰۲.